



 **Review to the preference aspects of raisolkotab manuscript (s) of Mirsad-o-Ebad to the bursa(bu) manuscript of this work with emphasis in rhetorical and linguistic aspects**

  Fatemeh Yusefpor Seyfi¹

Submitted: 26-11-2022 Revised: 26-11-2022 Accepted: 17-12-2022 Published: 21-03-2023 pp.117-141

Abstract:

Mohammad Amin Riyahi the editor of Mirsad-o-Ebad, choic the Bursa manuscript as a basic manuscript in the correction of this work and who write that the Raisol Kottab manuscript is a old manuscript. Review between to manuscript, show that S manuscript in some dimention prefer to BU manuscript. One of the preference aspects is the musical principle of this manscription. The musical principle one of the basic aspects in expression style of Mirsad-o-Ebad and this aspect Has been carefully considered in S manscription with compare by BU manuscript.in other hand Linguistic and stylistic aspects of Mirsad-o-Ebad much attended in S manuscript and this manuscript show the old linguistic aspect of Mirsad-o-Ebad. Beside of this records of poems from auther and others that come in this work, in S manuscript is correct than of BU manuscript and s manuscript in this three aspect have a decisive preference to BU manuscript. In this article we debate around this subject.

Key words: Mirsad-o-Ebad, Riyahi, ,manscription, rhetorical aspects,ling linguistic aspects .

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access. paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by//۴/۰>)



1. Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature. Faculty of Humanities. Islamic Azad University, Urmia branch. Orumieh. West Azerbaijan. Iran - fara_seyfi@yahoo.com



References

- Ansari of Damascus, Shams al-Din Muhammad ibn Abi Talib, *The Elite of the Age in the Wonders of Land and Sea*, edited by Mehran August Ferdinand, Russia, Saint Petersburg, Imperial Academy Press, 1281 AH
- Attar Nishapuri, Sheikh Farid al-Din, *Pandnameh*, edited by Silvester Dosassi, translated by A. Ruhbakhshan, Tehran, Asatir, 1994
- _____, *Musibatnameh*, Introduction, edited and annotated by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran, Sokhan, 2007
- Bahar, Mohammad Taqi, *Stylistics or the History of the Evolution of Persian Prose*, Volumes 1 and 2, Tehran, Zavar, 1386
- Bahmani Motlagh, Yadollah and Khodadayi, Mohammad, "A Linguistic Study and Comparison of Several Mystical Prose Works with Emphasis on *Kanuz al-Hikmah*," *Kohan Nameh Adab-e Parsi*, Year 3, No. 2, pp. 15-36, Tehran, Autumn and Winter 1391
- Dehkhoda, Ali Akbar, *Dictionary*, under the supervision of Mohammad Moein and Seyed Jafar Shahidi, Tehran, University of Tehran, 1377
- Ebadian, Mahmoud, *Introduction to Stylistics in Persian Literature*, Tehran, Avaye Noor, 1994
- Ferdowsi, Abu al-Qasim, *Shahnameh*, edited by Jalal Khaleghi Motlagh, Tehran, Center for the Great Islamic Encyclopedia, 2010
- Gholamrezaei, Mohammad, *Stylistics of Sufi Prose*, Tehran, Shahid Beheshti University, 2009
- Hafez Shirazi, Shams al-Din, *Divan*, edited by Parviz Natel Khanlari, Tehran, Khwarazmi, 1362
- Hujviri, Ali ibn Uthman, *Kashf al-Mahjub*, edited by Mahmoud Abedi, Tehran, Soroush, 2004
- Juvayni, Ata Malik, *History of the World Conqueror* by Juvayni, edited by Allameh Qazvini, Tehran, Bamdad, 1389
- Kashani, Ezz al-Din Mahmoud, *Misbah al-Hidayah wa Miftah al-Kifayah*, edited by Jalal al-Din Hoday, Tehran, Printing and Publishing Organization, 2009
- Kazazi, Mir Jalal al-Din, *Badi'*, Tehran, Mad Publications, 2009
- Molavi, Jalal al-Din Muhammad, *Masnavi Ma'navi*, edited by Reynold Nicholson, 1st edition, Tehran, Toos, 1996
- _____, *Fihi Ma Fihi*, with corrections and notes by Badi' al-Zaman Foruzanfar, 11th edition, Tehran, Amir Kabir, 2006
- Najafi, Maryam and colleagues, "Study of Rhetorical Aspects of Language in the Tafsir *Kashf al-Asrar*," *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*, Vol. 9, No. 17, pp. 235-259, Semnan, Spring and Summer 2018
- Nasir Khusraw Qubadiani, *Divan of Poems*, edited by Mojtaba Minavi and Mehdi Mohaqeq, Tehran, University of Tehran, 1994
- Razi, Najm al-Din, *Marsad al-'Ibad*, edited by Mohammad Amin Riahi, 14th edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications, 1389
- Saadi Shirazi, Mosleh al-Din, *Golestan*, edited and explained by Gholamhossein Yousefi, Tehran, Khwarazmi Publishing Joint Stock Company, 1368



Studies

Original Paper

Report and Review

- Sanai Ghaznavi, Divan, compiled and edited by Modarres Razavi, Tehran, Sanai, 1380
- _____, Sirr al-'Ibad ila al-Ma'ad, edited with introduction by Saeed Nafisi, Tehran, Aftab Printing House, 1316
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza, The Language of Poetry in the Prose of the Sufis, Tehran, Sokhan, 1392
- Shamisa, Sirous, General Stylistics, 2nd edition, Ferdows Publications, Tehran, 1373
- _____, Stylistics of Prose, 2nd edition, Tehran, Mitra Publications, 1377
- Shamlou, Ahmad, Collected Works, Vol. 1, 6th edition, Tehran: Negah Publications, 1384
- Suhrawardi, Shihab al-Din, Safir Simurgh, Tehran, Mowlavi, 1374
- Sultan Walad, Mohammad ibn Mohammad, Walad Nameh, edited by Jalal al-Din Homaei, Tehran, Homa Publishing Institute, 1362
- Taheri, Hamid, "Analytical and Historical Study of Prefixed Verbs in Persian Language," Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, New Series, No. 21 (No. 18), Spring, pp. 113-135, Kerman, Spring 2007
- Varavini, Sa'd al-Din, Marzban Nameh, edited by Khalil Khatib Rahbar, 14th edition, Tehran, Safi Alishah, 2009
- Yaqut Hamwi, Yaqut bin Abdallah, Dictionary of Countries, First Volume, Beirut-Lebanon, Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi, nd

**doi** نگاهی به وجوه ارجحیت نسخه رئیس‌الکتاب مرصادالعباد بر نسخه بورسای

با تکیه بر ویژگی‌های بلاغی و زبانی

فاطمه یوسف پور سیفی^۲

از صفحه ۱۱۷ تا صفحه ۱۴۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

چکیده:

ریاحی از میان نسخ مختلف مرصادالعباد، نسخه «بورسا» را به عنوان نسخه اساس در تصحیح این کتاب قرار داده و قدمت این نسخه را ملاک و میزان خویش در انتخاب این نسخه به عنوان نسخه اساس، گرفته است و نسخه «س» (نسخه محفوظ در کتابخانه رئیس‌الکتاب) را نسخه‌ای کهنسال و مضبوط دانسته است. تأملی در نسخه‌شناسی مرصادالعباد نشان می‌دهد که نسخه «س» در وجوهی چند بر نسخه «بو»، برتری دارد. چند ویژگی سبب می‌شود که نسخه «س» که از قدیمی‌ترین نسخ، مرصادالعباد است بر نسخه «بو»، برتری داشته باشد. یکی از این علل، علت بلاغی و موسیقایی تر بودن نسخه «س» است و اصل اصالت موسیقایی که یکی از اصول اساسی زیبایی‌شناسی مرصاد است در آن، به تمامی رعایت شده است. بخصوص ضبط سجع‌ها، در نسخه «س» دقیق‌تر و نزدیک‌تر به شیوه بیانی و بلاغی مؤلف است. ویژگی‌های زبانی و سبکی مرصاد همچون کهنگی واژگان و ضبط دقیق واژگان متناسب با سبک مؤلف همچون افعال پیشوندی، بآ تأکید و ... نیز در این نسخه بیشتر رعایت شده است. در کنار این، ضبط واژگان اشعار استشهادی، در نسخه «س» دقیق‌تر و سنجیده‌تر است و این نیز یکی از وجوه برتری نسخه «س» بر «بو» است. پژوهش حاضر تلاش دارد با ذکر نمونه و شواهد و با بررسی علمی و انتقادی این وجوه برتری را آشکار سازد.

واژگان کلیدی: مرصادالعباد، ریاحی، نسخه‌شناسی، نسخه «س»، نسخه «بو»، موسیقی واژگان، کهنگی زبان

Cite this article: yusefpur seyfi, fateme. (2023). Review to the preference aspects of raisolkotab manuscript (s) of Mirsad-o-Ebad to the bursa(bu) manuscript of this work with emphasis in rhetorical and linguistic aspects. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-3, Issue-1117-141.
<https://doi.org/10.22034/crtc.2022.371078.1051>

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه. ارومیه. آذربایجان غربی. ایران -

fara_seyfi@yahoo.com



۱- مقدمه:

مرصادالعباد نجم‌الدین رازی (۶۷۴-۵۷۳ ه.ق)، از متون ارزشمند صوفیه در قرن هفتم است که به نثری شیوا و رسا و مسجع، نگارش یافته است. این کتاب توسط محمد امین ریاحی (۱۳۸۸-۱۳۰۲ ه.ش)، تصحیح شده است؛ از این کتاب نسخ متعددی در دست است که ریاحی در مقدمه تصحیح خود به آن پرداخته است. ریاحی، نسخه «بو» را به عنوان نسخه اساس برگزیده و در تصحیح از نسخه‌های دیگر نیز سود جسته است؛ مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین نسخه «بو» و «س»، نشان می‌دهد که نسخه «س» انطباق بیشتری با ویژگی‌های سبکی مرصاد دارد و ضبط‌های این نسخه در غالب موارد منطبق با اصالت موسیقیایی و ویژگی‌های زبانی و سبکی مرصادالعباد است. نسخه «س»، نسخه‌ای است محفوظ در کتابخانه رئیس‌الکتاب به شماره ۵۰۹ شامل ۱۶۶ ورق ۱۹ سطری. این نسخه با اینکه تاریخ کتابت ندارد ولی نسخه‌ای کهنسال و مضبوط و خوش خط و دارای خصائص املائی کهنه مشابه نسخه «بو» و نسخه «قو» است. در یک موضع آن به قدر هفت ورق از آن مفقود گردیده است (ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). ریاحی در اصالت این نسخه و در قطعیت این نکته که نسخه «س» از روی نسخه بوسا کتابت نشده می‌نویسد: «مشابهت تام نسخه «س» و نسخه «قو» با نسخه «بو» شاید در بادی امر این ظن را به وجود آورد که دو نسخه «س» و «قو» از روی نسخه بوسا استنساخ شده و از این بابت از اعتبار آن‌ها کاسته گردد، خوشبختانه به یک دلیل این حدس منتفی است و آن این که در چند مورد به قدر یک سطر از بوسا ساقط است و قسمت افتاده را «س» و «قو» دارند و این می‌رساند که «س» و «قو» را از روی نسخه بوسا نوشته‌اند و این تشابه کامل و قلت اختلاف به علت نزدیکی به اصل آن چیزی است که نخستین بار از قلم مصنف بیرون آمده است» (ریاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). با توجه به اینکه، شناخت سبک اثر و عناصر غالب سبکی در آن می‌تواند نسخه‌شناس را در شناخت و ارزیابی اعتبار نسخه یاری دهد، وقوف به ویژگی‌های سبکی اثر، اولین گام در جهت ارزیابی علمی و انتقادی از نسخه‌های آثار می‌تواند مد نظر قرار گیرد. در پژوهش حاضر با تکیه بر ویژگی‌های سبکی و زبانی مرصادالعباد و عناصر غالب سبک‌شناختی آن، تلاش شده است تا اعتبار ضبط‌های نسخه «س» از این لحاظ مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱-۱- پیشینه پژوهش:

ریاحی در مقدمه تصحیح مرصادالعباد، بحث مبسوطی در مورد نسخ این اثر دارد و نسخه‌های این کتاب را معرفی کرده و به ویژگی‌های کلی هر کدام از نسخه‌ها اشاره داشته است. در مقاله «پژوهشی انتقادی در تصحیح مرصادالعباد از محمد امین ریاحی» از یعقوب نوروزی نیز به تصحیح برخی از لغزش‌ها در تصحیح ریاحی پرداخته شده است و نویسنده این کاستی‌ها را ناشی از اعتماد دکتر ریاحی به نسخه بوسا دانسته است. در پژوهش حاضر نیز ما تلاش کردیم تا اصالت نسخه رئیس‌الکتاب و اهمیت و جایگاه آن را مورد اشاره قرار دهیم. مقاله «تحلیل بازنمودهای سبکی نثر صوفیانه در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» از زهرا زرعی نیز به ویژگی‌های سبکی و زبانی مرصاد پرداخته و این کتاب را از لحاظ متن‌شناسی مورد بررسی قرار داده است. بهمنی مطلق و خدادادی نیز ویژگی‌های زبانی مرصادالعباد و چند اثر عرفانی دیگر را در مقاله «بررسی و مقایسه زبانی چند اثر عرفانی با محوریت



کنوزالحکمه» را به نگارش درآورده‌اند و به پاره‌ای ویژگی‌های زبانی مرصاد که می‌تواند در نسخه‌شناسی و تصحیح این اثر کمک کند، اشاره کرده‌اند. مقاله «بررسی تطبیقی ویژگی‌های زبانی دو اثر منثور عرفانی مرصاد العباد الی المعاد و مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» از مهناز فقهی، نیز مقاله دیگری است که در این زمینه، نگارش شده است و ویژگی‌های زبانی این اثر را مورد بررسی قرار داده و از لحاظ متن‌شناسی این اثر، پژوهشی ارزشمند است. در کتب سبک‌شناسی همچون «سبک‌شناسی» بهار و «سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه» از محمد غلامرضایی نیز اشاراتی به ویژگی‌های زبانی و سبکی مرصاد شده است. موضوع مقاله حاضر که به ارزیابی علمی و انتقادی ضبط‌های دو نسخه «بو» و «س» می‌پردازد، پیش از این مورد پژوهش قرار نگرفته است.

۱-۲- روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. با مقایسه دو نسخه «س» و «بو» و ضبط‌های متفاوت این دو، بر اساس معیارهایی چون اصالت موسیقایی، ویژگی‌های زبانی و سبکی، کهنگی و قدمت واژگان و استشهادات شعری در دو نسخه، اصالت و اعتبار ضبط‌های نسخه «س» مورد تحلیل علمی و منتقدانه قرار گرفته و برخی کاستی‌های نسخه «بو» آشکار شده است.

۲- معیارهای برتری ضبط‌های نسخه «س» بر نسخه «بو»

مجموعه معیارهایی در نسخه «س» وجود دارد که عامل برتری ضبط این نسخه بر نسخه «بو» است که در بخش‌های جداگانه پژوهش حاضر، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲-۱- اصالت موسیقایی در نسخه «س»

بوطیقای صوفیه، آنچنانکه منتقدان نیز اشاره کرده‌اند، موسیقی محور است و «یکی از مهم‌ترین نمودهای زیبایی در نثرهای صوفیانه، هماهنگی‌های صوتی و آوایی است، که اوج آن را در جناس و سجع و ترصیع می‌توان یافت» (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۳۸۱). شفیعی کدکنی (۱۳۱۸: ۵۰۷) در مورد غلبه بوطیقای موسیقایی در آثار صوفیه می‌نویسد: «شاید ریشه این نظام موسیقایی که بر اغلب نثرهای صوفیانه حاکم است، این نکته تاریخی باشد که این شاخه از نثر فارسی، برخاسته از مجالس وعظ و تذکیر است، و واعظان و مدبران، همواره، سخن خویش را به نظامی موسیقایی می‌آراسته‌اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۶۶). او همچنین معتقد است: «عرفان اصیل جز در یک زبان هنری و جمال‌شناسانه امکان تحقق ندارد» (همان، ۳۵۵) و یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های جمال‌شناسانه در زبان هنری صوفیه، موسیقی می‌باشد. صوفیه در کنار تمثیل که جزو اساسی‌ترین ویژگی‌های بیانی آنها بوده است از موسیقی نیز در بلاغت و رسایی کلام خویش، فراوان سود جستند. از این منظر زبان عرفان به زبان شعر نزدیک



شده است. در مقاله «بررسی جنبه‌های بلاغی زبان در تفسیر کشف‌الاسرار» در مورد زبان عرفان و زبان آهنگین کشف‌الاسرار به عنوان اثری عرفانی می‌آید: «زبان عرفانی کشف‌الاسرار نیز مانند هر زبانی ویژگی‌های خاص خود را دارد که بارزترین آن، آهنگین بودن است؛ تا جایی که گاه زبان این کتاب در نوبت سوم به شعر نزدیک می‌شود» (نجفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۷)

مرصادالعباد نیز اثری مسجع و آهنگین است و نویسنده اثر به آهنگ و موسیقی کلام خویش، بسیار اهمیت داده و کلام خویش را به انواع سجع آراسته است. بر این اساس می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های غالب این اثر، عنصر موسیقی و آهنگ است. با توجه به این اصل و ویژگی غالب بیانی در مرصاد است که می‌توان گفت ضبط‌ها و نسخه‌ای که این معیار در آن رعایت شده، نزدیک به اصل بوده و اعتبار بیشتری دارد. سجع از اصلی‌ترین عناصر موسیقایی در کلام صوفیه و از ویژگی‌های بنیادین مرصادالعباد است. این عنصر موسیقایی، در نسخه «س» بیشتر رعایت شده است و این نشان از نزدیکی ضبط‌های نسخه «س» با بوطیقای مؤلف مرصاد دارد که سجع را به عنوان مهم‌ترین شگرد موسیقایی برای آهنگین کردن کلام خود به کار برده است. همچنین سجع در این کتاب بیشتر در افعال است و «در بیشتر جاها، بنای سجع بر افعال نهاده می‌آید» (ریاحی، ۱۳۸۹: مقدمه، ۷۹). بسامد بالای انطباق ضبط‌های نسخه «س» با این معیار، ارجحیت ضبط‌ها و اعتبار این نسخه را نشان می‌دهد.

در عبارت «دمار از آن ولایت و اهل آن ولایت برآورد» (همان، ۱۶)، ضبط نسخه «س»، «دیار» است که منطبق با اصل اصالت موسیقایی است. بین «دمار» و «دیار» جناس متوازی برقرار است. سطور قبلی و بعدی نیز ضبط «دیار» را تأیید می‌کنند؛ چرا که واژه «دیار» بدون اختلاف در نسخ، در سطور قبل و بعد نیز به این شکل، آمده است: «تا لاجرم ناگاه صدمات سطوات «و لئن کفرتم إِنْ عَذَابِي لَشَدِيد» در آن دیار و اهل آن دیار رسید» (رازی، ۱۳۸۹: ۱۶)، «در تاریخ... استیلا یافت بر آن دیار» (همان، ۱۶)

در عبارت: «اینجا می‌بایست آمد تا معاینه به خبر بدهد و عیان به بیان باز کند» (همان، ۱۱۵) نیز نسخه «س»، «دهد» ضبط کرده و این ضبط با ویژگی بیانی و سبکی مرصاد سازگارتر است؛ چرا که در مرصاد تمایل به کاربرد سجع متوازی بیشتر است و این نوع سجع همانطور که کزازی گفته «هنری‌ترین نوع سجع» (کزازی، ۱۳۸۸: ۴۳) می‌باشد. بین «دهد» و «کند» سجع متوازی هست و ضبط «بدهد» با باء، که ضبط نسخه «بو» است، نوعی مکث و وقفه موسیقایی ایجاد می‌کند و مخلّ موسیقی کلام است.



در عبارت: «و گفته‌اند رحمن اسمی خاص است و صفتی عام و رحیم اسمی عام است و صفتی خاص» (رازی،

۱۳۸۹: ۱۸۸)

نسخه «س»، «گفته‌اند رحمن اسمی است خاص» آورده که ارجح است؛ چرا که سجع و قرینه‌سازی، از ویژگی‌های غالب مرصاد است و در ضبط نسخه «س»، این ویژگی رعایت شده است. در این ضبط «خاص» و «صفت» در کنار هم قرار می‌گیرند و تکرار «ص» خالق موسیقی است؛ و منطبق با ویژگی نثر صوفیه است؛ چرا که یکی از ویژگی‌های نثر صوفیه، غیاب آن چیزی است که قدما آن را، تنافر حروف می‌خواندند. (رک: شفیع کدکنی،

۱۳۹۲: ۴۰۳)

در عبارت: «ای بیچاره هرچه در طلب خداوندی من بر هم شکستی من بکرم خداوندی درست کنم و هر دل که خسته کنی دیت آن من بدهم» (رازی، ۱۳۸۹: ۲۵۶)، نیز ضبط نسخه «س»، به دلیل رعایت اصالت موسیقایی، ارجح است. نسخه «س»، «شکنی» ضبط کرده که بین آن و واژه «کنی» سجع وجود دارد و سجع در افعال، ویژگی ثابت در مرصادالعباد است و ریاحی در این مورد با تکیه بر ضبط‌های نسخه «بو» بی‌دقتی کرده است. قرینه‌سازی نیز در کلام، وجود دارد؛ برهم شکنی و خسته کنی.

در عبارت: «در این عالم به صورت نشسته‌اند و از هشت بهشت بمعنی گذشته» (رازی، ۱۳۸۹: ۳۸۶)، نیز ضبط نسخه «س» که «گذشته‌اند» می‌باشد، ارجح است؛ چرا که با ویژگی‌های ثابت بیانی در مرصاد سازگارتر است؛ بین «نشسته‌اند» و «گذشته‌اند»، سجع متوازی و تقارن وجود دارد.

در عبارت: «بندگان تو را محروم می‌گذارد و با حضرت تو این دلیری می‌نماید، چه گویی از عهده این واقعه که بیرون تواند آمد» (همان، ۴۵۸)، نیز ضبط نسخه «س» منطبق با ویژگی ثابت ادبی اثر بوده و ریاحی این ضبط را برگزیده است؛ بین «می‌نماید» و «می‌گذارد» و «تواند آمد» سجع متوازی برقرار است. نسخه «بو» بدون توجه به این صنعت، به جای «می‌نماید»، «می‌کند» ضبط کرده است.

در عبارت: «در هر قرن و عصر یکی را از جمله خلائق برگزیند و از همه بندگان برکشد و بنظر عنایت مخصوص گرداند» نیز ضبط نسخه «س»، «برگزید»، «برکشید» و «گردانید» می‌باشد که منطبق با معیار اصالت موسیقایی و سجع در مرصاد بوده و ضبطی ارجح است.



در عبارت: «در آن غلو نکند تا بوسوسه نینجامد و در همه احوال اشارت» «دع ما یریبک الی ما یریبک» را رعایت کند» (رازی، ۱۳۸۹: ۲۵۹)، نسخه «س»، به جای «کند»، «فرماید» ضبط کرده که با توجه به اصالت موسیقایی ارجح است؛ مؤلف، بین «نینجامد» و «نفرماید» سجع برقرار کرده است.

در عبارت: «و فتنه و فساد آن ملاعین بر جملگی اسلام و اسلامیان از آن زیادت است که در حیّز عبارت گنجد و این واقعه از آن شایع‌تر است در جهان که به شرح حاجت افتد» (رازی، ۱۳۸۹: ۱۷)، نسخه «س»، «زیادت‌تر» ضبط کرده که ارجح است. اصالت موسیقایی و سجع بین «زیادت‌تر» و «شایع‌تر» و هماوایی بیشتر این دو و تقارن کلام، ارجحیت این ضبط را تأیید می‌کند.

در عبارت: «غمخوارگی آن کردن ضایع گذارند این جمله آن است که بدان مستوجب دوزخ گردند» (همان، ۴۹۷)، نسخه «بو»، «گذار»، آورده و به سجع که عنصر پایدار موسیقایی در مرصادالعباد است، توجه نداشته است. ریاحی در این مورد، به جا و با دقت در این اصل، ضبط نسخه «س» را که «گذارند» می‌باشد، برگزیده است. نحو کلام نیز «گذارند» را تأیید می‌کند؛ چرا که فاعل، جمع است.

در عبارت: «بهر حکومتی که به حق بگزارد و شفقتی که بر احوال خلق ببرد و اقامت حدود شرع که به جای آرد در جتی و قربتی و رفعتی شریف یابد» (همان، ۴۹۹)، نسخه «بو»، «آورد» ضبط کرده و به سجع متوازی بین «آرد» و «یابد»، توجه نداشته است.

در عبارت: «اما این مخدره غیب را پیش از این هیچ مشاطه از انبیاء و اولیاء نقاب عزت از رخساره برنینداخته‌اند و همواره او را در قباب غیرت و استار غبطت متواری داشته‌اند» (همان، ۱۱۸)، نسخه «بو»، بی‌توجه به سجع بین «برنینداخته‌اند» و «متواری گشته‌اند»، بوده و «نینداختند» ضبط کرده و به اصالت موسیقایی ضبط مؤلف توجه نداشته است.

در عبارت زیر نیز با بی‌دقتی در سجع؛ سجع بین واژگان «گرفته‌اند، پنداشته‌اند و رسیده‌اند»، نسخه «بو»، «پنداشته» ضبط کرده و به خطا رفته است.

«و به حرفی چند پوسیده که از افواه گرفته‌اند پنداشته‌اند بکمال مقصد و مقصود این راه رسیده‌اند» (رازی، ۱۳۸۹: ۳۱۷)



در عبارت «غمخوارگی آن کردن ضایع گذارند این جمله آن است که بدان مستوجب دوزخ گردند» (همان، ۴۹۷)، نسخه «بو»، «گذار» آورده و به سجع بین واژگان «گذارند و گردند» توجه نداشته است. ریاحی بجا، گذارند را جایگزین ضبط این نسخه کرده است.

در عبارت «بهر حکومتی که به حق بگزارد و شفقتی که بر احوال خلق ببرد و اقامت حد و شرع که به جای آرد در جتی و قربتی و رفعتی شریف یابد» (همان، ۴۹۹). در این عبارت نیز نسخه «بو»، به جای «آرد»، «آورد» ضبط کرده و به سجع و آهنگ بین واژگان «آرد» و «یابد» توجه نداشته است.

در عبارت «چندان غلبات شوق و قلق عشق روح را پدید آید که از خودی خود ملول گردد و از وجود سیر آید و در هلاک خود کوشد» (همان، ۲۲۳) نیز نسخه «بو» بی توجه به سجع بین افعال «آید»، «گردد»، «کوشد»، به جای «پدید آید»، «پدید می‌آید» ضبط کرده و به اصالت موسیقایی متن توجه نداشته است.

در این مورد، ریاحی ضبط نسخه «س» را برگزیده که ارجح است؛ لازم به ذکر است که دکنتر ریاحی در انتخاب ضبطها بر اساس اصالت موسیقایی رویه واحدی نداشته است و اگر این اصل را به عنوان یک ویژگی غالب، مد نظر قرار می‌داد چه بسا تصحیحی دقیق‌تر، موسیقایی‌تر و نزدیک‌تر به زبان صوفیه، ارائه می‌داد.

۲-۲- ویژگی‌های زبانی و سبکی مرصاد و رجحان ضبط‌های نسخه «س»

هر اثر و هر مؤلف، سبک خاص خود را دارد و ویژگی‌های خاصی در همه آثار، مسلط‌اند و سبک «به یک اثر ادبی، وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنا، القاء می‌کند بهار، ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۶). بنابراین، آشنایی با سبک اثر، مؤلفه‌ای مهم در تصحیح است و می‌تواند ما را در انتخاب ضبط دقیق، یاریگر باشد و «همین معلومات سبک‌شناسانه است که سرمایه برخی از ادبا در تصحیحات قیاسی بوده است که گذشت زمان و پیدا شدن نسخ معتبر کهن بر صحت آن صحه گذاشته است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰۷). سبک‌شناس و آنکه به کار تصحیح مبادرت می‌کند، باید عناصر سبکی یک اثر را که «خردترین اجزای تشکیل دهنده سبک‌اند و از نظر زبانی خشت بنای آنند» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۲) بشناسد. در نسخه‌شناسی و تصحیح مرصاد نیز ویژگی‌های سبکی و شناخت آن، راهگشاست. در این کتاب، در کنار بسامد بالای انطباق ضبط‌های نسخه «س» با معیار اصالت موسیقایی و سجع که اصلی غالب در مرصادالعباد است، از لحاظ ویژگی‌های سبکی و زبانی نیز ضبط‌های نسخه «س» بر نسخه «بو» ارجحیت دارد. زبان نثر مرصادالعباد نسبت به دوره خود، کهنه‌تر است و این ویژگی عام متون عرفانی بوده است.



بهمنی مطلق در این زمینه می‌نویسد: «صوفیه عموماً در حوزهٔ زبان، از بیانی ساده و روان با واژگانی کهن، که بیشتر تا قرن ششم هجری کاربرد داشته، با درصد بالایی از واژه‌های عربی بهره می‌گیرند» (بهمنی مطلق، خدادای، ۱۳۹۱: ۱۶) و این اصل، در مرصاد العباد نیز حاکم است.

نمونه‌های متفاوتی از متن مرصاد العباد که در سطور بعد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت، این ویژگی و برتری ضبط‌های نسخهٔ «س» را در انطباق با این معیار، اثبات خواهد کرد.

کاربرد حرف اضافهٔ «با» در معنای «به» و به جای آن

یکی از نمودهای این کهنه‌گرایی زبانی، در کاربرد «با» در معنای «به» است. در عبارت: «تا بوک از ایام انشش با یاد آید» (رازی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). ضبط نسخهٔ «س»، که ضبط متن است، ارجحیت دارد و ریاحی با وقوف به این ویژگی زبانی، ضبط صحیح را انتخاب کرده است. ضبط نسخهٔ «بو»، «یاد آید» بوده و «با» حذف شده است؛ کاتب با بی‌توجهی به ویژگی غالب زبانی در مرصاد که تمایل به کاربرد «با» دارد، ضبط کرده است. ضبط نسخهٔ «س» هم موسیقیایی‌تر است؛ چرا که بین «با» و «یاد» و «بو» در واژهٔ «بوک» نوعی سجع وجود دارد، و هم با ویژگی‌های زبانی مرصاد، تناسب بیشتری دارد. در نظم و نثر کهن کاربرد «با» به معنای «به» تا قرن ششم کم و بیش رواج داشته است و در متون صوفیه به خاطر کهنه‌گرایی زبانی، بیشتر رایج بوده است. بهمنی مطلق و خدادای در این مورد می‌نویسند: «اما باید گفت که این کاربرد از قرن هفتم به بعد چنان کاهش یافته است که فقط به صورت نوعی عدول از هنجار از آن استفاده می‌شده است در حالی که در آثار صوفیه هم چنان بسامد بالایی دارد و نوعی پیروی از هنجار محسوب می‌شود». (بهمنی مطلق و خدادای، ۱۳۹۱: ۲۵)

در کتاب‌های کشف‌المحجوب و مصباح‌الهدایه نیز این «با» کاربرد دارد: «سرما بر تن من قوت گرفت، با تون گرمابه اندر آمد» (هجویری، ۱۳۸۳: ۹۳) / «اما خاطر شیطنانی آن است که داعی بود با مناهی یا مکاره» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

کاربرد «با» به معنای «به» در شعر عطار نیز نمونه‌های بسیاری دارد:

شد مطیع خاتمش دیو و پری

با سلیمان داد ملک و سروری

(عطار، ۱۳۷۳: ۹)



آنکه بیند آدمی چیزی به خواب

با چه ماند این جهان گویم جواب

(همان)

کو فکندی در جهانم بی قرار

از زفان من بگو با گردگار

(عطار، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

حافظ نیز «با» را در کنار «یاد» آورده است و این کاربرد کهنه، در جهت غنای موسیقایی بیت بوده است:

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد

(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۶۹/۱)

در شعر معاصر نیز شاملو که به آرکائیسیم زبانی تمایل دارد «با» را در معنای «به» به کار گرفته است:

و ساق‌هایشان / با مرمر معابد هندو / می‌مانست (شاملو، ۱۳۸۴: ۱۰۸)

در عبارات دیگری از مرصاد نیز این «با» به کار رفته است: «ملایکه گفتند اشکال هنوز برنخاسته است آنچ اصل است بندانسته‌ایم با حضرت عزت بازگشتند» (رازی، ۱۳۸۹: ۷۸) / از ایشان دو فرزند به یک شکم بیاید یکی نر که با پدر ماند و یکی ماده که با مادر ماند اما دل پسری بود که با پدر روح می‌ماند و نفس دختری که با مادر قالب خاکی می‌ماند (همان، ۱۷۵)

افعال پیشوندی

بسامد بالای افعال پیشوندی از دیگر ویژگی‌های سبکی و زبانی مرصادالعباد است. افعال پیشوندی در نثر مرسل کاربرد فراوان داشته‌اند و بهار، یکی از مختصات نثر مرسل را «آوردن افعال با پیشوندهای قدیم مانند؛ فرا، فراز، بازو...» (بهار، ۱۳۸۶: ج ۷۱/۲) می‌داند. هر چه به عصر حاکمیت نثر فنی نزدیک‌تر می‌شویم از بسامد کاربرد افعال پیشوندی کاسته شده و تغییر محسوسی در کاربرد آنها مشاهده می‌شود و به حداقل می‌رسد و «این کاهش در پیدایش یک مختصه سبکی بسیار مهم عصر درسی (نثر فنی و مصنوع) نقش بسیار در خور دارد» (طاهری، ۱۳۸۶:



۱۱۹) با اینکه مقارن تألیف مرصاد العباد، کاربرد این افعال به حداقل رسیده بود ولی در نثر مرصاد العباد، کاربرد این افعال بسامد بالایی دارد و در کلیت خود در متون صوفیه فراوان کاربرد داشته‌اند و نثر مرصاد نیز از این قاعده مستثنی نیست. بسامد بالای این ویژگی می‌تواند به عنوان مشخصه سبکی مرصاد مورد توجه قرار گیرد. کاربرد فراوان افعال پیشوندی، عامل نزدیکی نثر مرصاد به نثر مرسل و نشان کهنگی زبانی مرصاد العباد است و این کتاب از این لحاظ، ویژگی نثرهای مرسل را دارد؛ این عامل به عنوان مختصه‌ای زبانی، سبب می‌شود تا در ضبط‌های نسخ در کانون توجه قرار گیرد.

فرو داشتند/ بداشتند

فروداشتن در معنای «متوقف کردن و مانع حرکت شدن» (دهخدا، ذیل مدخل فرو داشتن)، آمده است. در عبارت زیر، متن «فرو داشتن» را تأیید می‌کند که معنای اجبار و اکراه را با خود دارد؛ خداوند در این مقام‌ها، آن‌ها را به اجبار و با قوه قهریه خود فرو داشت. سخن از برتری آدمی بر فرشتگان به سبب «خلعت اضافت یاء» (من روحی) (رازی، ۱۳۸۹: ۸۶) است، علاوه بر این افعال پیشوندی از ویژگی‌های سبکی مرصاد العباد است و بسامد بسیار بالایی دارد.

«جبرئیل را بر آن درگاه بحاجبی فرو داشتند و میکائیل را به خازنی» (همان، ۸۶)، نسخه «بو»، «به حاجبی بداشتند» ضبط کرده است.

بربستند/ بستند/ رفته بود/ در رفت

در عبارت «زیراک به رسن شقاوت آن روزش بستند که بی دستوری در کارخانه غیب رفته بود» (همان، ۸۶)، نسخه «س»، «بربستند» و «در رفت» ضبط کرده که در انطباق با ویژگی زبانی مرصاد و ارجح است.

بربسته بودند/ بسته بودند

در عبارت «زیراک سر ایشان به رسن شقاوت آن روز بر بسته بودند که سجده حق نکردند» (رازی، ۱۳۸۹: ۸۷) نیز ضبط نسخه «س»، «بر بسته بودند» هست که ارجح است. نسخه «بو»، «بسته بودند» ضبط کرده و به ویژگی زبانی، توجه نداشته است. نداشتن رویه ثابت در تصحیح در دو مورد فوق توسط ریاحی، آشکار است.



در می‌نگریست / می‌نگریست

در ضبط زیر نیز نسخه «بو» بی‌توجه به بسامد بالای افعال پیشوندی در مرصاد بوده که ویژگی سبکی غالب این اثر است و این بی‌دقتی، سبب خطا در ضبط شده است.

«و بدان یک چشم اعورانه بدو درمی‌نگریست» (همان، ۷۵)، در نسخه «بو»، در عبارت مذکور به جای «درمی‌نگریست»، «می‌نگریست» ضبط شده و به ویژگی سبکی و زبانی مرصاد که کاربرد افعال پیشوندی است، توجهی نشده است. متن منطبق با ضبط نسخه «س» می‌باشد.

بر رسیدن / برسیدن

«بر رسیدن» نیز یکی از افعال پیشوندی است که در نثر کهن کاربرد داشته است. این واژه در معنای «بررسی کردن، مطلع گشتن و آگاه شدن» (دهخدا، ذیل مدخل رسیدن) آمده است.

ناصر خسرو این فعل را به کار برده است:

چونکه خرد را دلیل خویش نکردی برنرسیدی ز گشت گنبد دوار

(ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۲۵۸)

در التفهیم نیز آمده است:

و آن گروهان را که سال ایشان ایستاده است دیگرگونه روزگار است نیز کشت و ورز را و بر رسیدن و برافکندن و گشن و زه کردن را و نشان‌ها مرگما و سرما و بادها را و گوناگون گشته‌ها را اندر هوا. (التفهیم).

در عبارت «با احوال ایشان بر رسیدن و اگر محتاج باشند دفع حاجت ایشان مغتنم شمردن» (رازی، ۱۳۸۹: ۴۳۵)، از مرصاد نیز این فعل آمده است. نسخه «بو» با بی‌دقتی در این ویژگی زبانی و معنای این فعل «بر رسیدن» ضبط کرده و به خطا رفته است.



باء تأکید

کاربرد «باء تأکید» نیز از ویژگی‌های غالب نثر مرصاد است و بسیار پرکاربرد است و نشان کهنگی نثر کتاب و گرایش مؤلف به نثر مرسل است؛ چرا که آوردن باء بر سر فعل مثبت و منفی از ویژگی‌های نثر مرسل بوده و در متونی که به نثر مرسل نگارش یافته‌اند، فراوان کاربرد دارد و «این ویژگی را از جمله ویژگی‌های اصلی زبانی ترجمه تفسیر طبری دانسته‌اند» (ر.ک. شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۹). در مرصاد العباد، علاوه بر افعال مثبت، بر سر افعال منفی نیز می‌آید. ریاحی در این باره می‌نویسد: «استعمال این باء بر سر افعال منفی نیز از مختصات شیوه کهن نثر فارسی است که در نثر بعد از مغول بندرت دیده می‌شود ولی در مرصاد العباد، بکثرت دیده می‌شود» (ریاحی، مقدمه، ۹۴). این ویژگی سبکی غالب، ما را در انتخاب ضبط دقیق و اعتبار ضبط نسخ، یاری می‌دهد.

بتافتند/تافتند

در عبارت «چند هزار سال دیگر بتافتند تا سپید گشت چند هزار سال دیگر بتافتند تا سیاه گشت» (رازی، ۱۳۸۹: ۳۰۸) نسخه «بو»، بدون توجه به این ویژگی سبکی و زبانی «تافتند»، ضبط کرده است. متن مطابق با ضبط نسخه «س» بوده و درست است. همچنین تکرار که از ویژگی‌های غالب مرصاد می‌باشد نیز این ضبط را تأیید می‌کند.

بزاد/زاد

در عبارت «اما اکنون که از رحم شجره بزاد و در قماط لطیف شکوفه پیچیدندش» (همان، ۳۶۲) نیز ضبط نسخه «بو» بدون توجه به این ویژگی غالب، «زاد» است.

بنرود/نشود

در عبارت «تا مرید گستاخ و دلیر نشود و عظم شیخ و وقع او از دل مریدان نشود» (همان، ۲۴۷) نیز ضبط نسخه «س»، «بنرود»، است که با توجه به ویژگی سبکی، ارجح است.

بنخوردی/نخوردی

در عبارت «اثر فساد اینجا ظاهر کرد که آن گندم را اگر بنخوردی هر دانه ای شایستگی آن داشت که چون بکاشتندی درختی دیگر از او برآمدی» (همان، ۱۵۱) نیز ضبط نسخه «بو» بی‌توجه به ویژگی سبکی «نخوردی»



می‌باشد.

۲-۳- کهنگی واژگان

نثر مرصادالعباد آنچنانکه ذکرش رفت، کهنه‌گراست و مؤلف نسبت به عصر خود مانند غالب متون صوفیه، زبان کهنه‌تری دارد؛ بر این اساس واژگانی که کهنه‌تراند، ارجحیت دارند و یکی از معیارهایی که اصالت و اعتبار، ضبط‌های نسخه «س» را نشان می‌دهد کاربرد تلفظ‌های کهنه‌واژگان و منطبق با ویژگی‌های زبانی زمانه شاعر است.

اربل / اربیل

کاربرد ضبط «اربل» در نسخه «س» به جای «اربیل» در نسخه «بو»، نشان دقت در این ویژگی زبانی است. در دوره نگارش مرصادالعباد و قبل از آن، تلفظ اربل رایج بوده است نه اربیل و اربیل مربوط به قرون متأخر است. در معجم‌البلدان (یاقوت حموی، ج ۱، صص ۱۸۶، ۲۱۹، ۲۸۴، ۴۷۷، ۶۱۲، ۷۰۸، ۷۸۱۱) و نخبه‌الدهر (انصاری دمشقی، ۱۲۸۱ ه. ق: صص ۲۵۵، ۱۹۰، ۹۶)، «اربل» آمده است و مقارن نجم رازی و دوره مغولان اربل تلفظ می‌شده است. نسخه «س» در این مورد منطبق با ویژگی زبانی غالب در عصر مؤلف، «اربل» آورده است؛ حال آنکه نسخه «بو» بی‌توجه به این کاربرد غالب زمانه مؤلف، «اربیل» ضبط کرده و به خطا رفته است.

«این ضعیف از شهر همدان که مسکن وی بود به شب بیرون آمد با جمعی درویشان و عزیزان در معرض خطری هر چه تمام‌تر، در شهر سنه ثمان عشر و ستمائه براه اربیل» (رازی، ۱۳۸۹: ۱۹)

نادره / نادر

در عبارت «اگرچه سخت نادره باشد» (رازی، ۱۳۸۹: ۳۲۵) نیز نسخه «بو»، «نادر» ضبط کرده است. واژه «نادره» کاربرد قدیمی‌تری است و با سبک و سیاق زبانی مرصاد، سنخیت بیشتری دارد و در موارد دیگری نیز در این کتاب آمده است: اگر نیز از این نوع بنادره کسی در حضرت ملوک باشد (رازی، ۱۳۸۹: ۴۴۲) / علماء سه طایفه‌اند: یکی آنک علم ظاهر داند، دوم آنکه علم باطن داند، سوم آنکه هم علم ظاهر و هم علم باطن داند و این نادره بود (همان، ۴۸۳) / در جتی و قربتی و رفعتی شریف یابد و از نادره جهان بود (همان، ۴۹۹) که در هر سه مورد مذکور، نسخه «بو» نیز به مانند نسخه «س»، نادره ضبط کرده است و این نشان از خطای کاتب نسخه در ضبط «نادر» در عبارت فوق دارد.



گزاردن و گذاردن

یکی دیگر از کاربردهایی که سبب می‌شود تا اعتبار و ارجحیت ضبط‌های نسخه «بو» مورد تردید قرار گیرد، ضبط «گذاردن» به جای «گزاردن» است؛ «گذاردن» به معنای «ادا کردن» نیست و در متون سنتی نیامده است؛ حال آنکه «گزاردن» به معنای ادا کردن در مورد حق‌گزاری و نماز گزاردن در بسیاری از متون سنتی آمده است؛ در لغت‌نامه دهخدا در معنای این واژه می‌آید: «ادا کردن، انجام دادن، بجا آوردن چنانکه در نماز، طاعت، حق، شکر، شغل، کار، مقصود، فرض، فریضه، حج» (دهخدا، ذیل مدخل گزاردن) و ارجحیت ضبط نسخه «س» را نشان می‌دهد. این ضبط در عبارات زیر آمده است:

«چنانکه حق هر کس در مقام خویش می‌گزارد بقدر وسع و حق‌گزاری از کس طمع ندارد» (همان، ۲۶۰)، نسخه «بو»، «می‌گذارد» است.

چون نماز بامداد بگزاردی (همان، ۲۷۲). نسخه «بو»: بگذاردی

یا در فلان مجلس دو رکعت نماز گزارد (همان، ۴۵۷) نسخه «بو»: گزارد

در عبارت: «یا بر وی حقی بود یا دینی دارد بگزارد» (همان، ۵۰۲)، هر دو نسخه «بو» و «س» بدون اختلاف «بگزارد»، ضبط کرده‌اند و این نشان از این دارد که در دوره مؤلف گزاردن به معنای ادا کردن کاربرد داشته است.

خوگر/خوگیر

در عبارت «تا چون مدتی برآید و با هوای این عالم خوگر شود» (رازی، ۱۳۸۹: ۲۱۳) نیز نسخه «بو»، «خوگیر» ضبط کرده است؛ خوگیر، واژه معاصر است و در گذشته کاربرد نداشته است. خوگر در نظم و نثر فارسی قبل و بعد از مرصاد و همزمان با او، بسیار آمده است: «پرسیدند که در حق چنین حیوانی نجس چنین لفظی چرا فرمودی گفت تا زبان به نیکی خوگر شود» (روایینی، ۱۳۸۸: ۳۷۴). «و بر تیر انداختن و مشقت خوگر شوند» (جوینی، ۱۳۶۷: ۱۹/۱)

دل حافظ که بیدار تو خوگر شده بود نازپرورد وصال است مجو آزارش

(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۷۲/۱)



جمله / همه

کاربرد «جمله» به جای «همه» نیز کاربرد کهن تری است و با سبک و سیاق مرصاد العباد، همخوانی بیشتری دارد و ضبط‌های نسخه «س» در عبارات زیر، منطبق با این ویژگی است.

و مربع نشستن در جمله اوقات منهی است الا در وقت ذکر گفتن (رازی، ۱۳۸۹: ۲۷۲)، نسخه «بو»، «در همه»

تا بتدریج دل از جمله محبوبات و مالوفات فارغ و خالی کند (همان، ۲۷۳) نسخه «بو»، «همه»

آمدن «جمله» و «جملگی» در ضبط‌های دیگری از نسخه «بو» نشان از غلبه این کاربرد دارد و در دو مورد فوق، به خطا، ضبط «همه» توسط کاتب وارد متن شده است.

در حالتی که خود در بسیاری موارد این را آورده است: «و جملگی انبیاء و اولیاء در بدایت حال داد خلوت داده اند تا به مقصود رسیده اند» (رازی، ۱۳۸۹: ۲۸۱) / «و از تجلی حق این جمله برخیزد» (همان، ۳۲۰)

اومید / امید

«اومید» نیز تلفظ کهنه تری از «امید» است که در ضبط‌های نسخه «س» آمده است و منطبق با ویژگی زبانی نجم‌رازی و کهنه‌گرایی زبانی در مرصاد العباد است. در دو بیت زیر، نسخه «س»، تلفظ «اومید» را ضبط کرده که ارجح است؛ حال آنکه ضبط نسخه «بو»، «امید» می‌باشد.

چون مایی ما زما تجلی بستد امید وصال و بیم هجران بنماند

(همان، ۳۲۵)

عاقل به چه امید در این شوم سرای بر دولت او دل نهد از بهر خدای

(همان، ۴۴۹)

این کاربرد در آثار منظوم و منثور مولوی نیز که در مقایسه با آثار هم عصرش، زبانی کهنه تر دارند، بسیار به کار رفته است.



در مثنوی نیز آمده است:

خفته آن باشد که او از هر خیال دارد اومید و کند با او مقال

(مولوی، ۱۳۷۵: ۱/۴۱۴)

نامیدانیم و اومیدی رسید راندگانیم و کرم ما را کشید

(همان، ۱۱۸۲/۳)

گر نبودی میل و اومید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر

(همان، ۵۲۳/۴)

در فیه ما فیه نیز، همه جا «اومید» آمده است:

در میان آن اسیران یکی عمّ او بود، عباس (رضی الله عنه). ایشان همه شب در بند و عجز و مذلت می‌گریستند و می‌زاریدند و اومید از خود بریده بودند (مولوی، ۱۳۸۵: ۲)

با اینکه ضبط‌های نسخه «س» انطباق بیشتری با سبک نثر مرصاد دارد و در غالب موارد کهنه‌گرایی نثر مرصاد در این نسخه رعایت شده است، در نسخه «بو» نیز در مواردی تحریف‌هایی برای کهنه نشان دادن زبان، صورت گرفته است که ریاحی نیز به این ویژگی اشاره می‌کند: «نسخه «بو» از خطاها و اغلاط فاحش و حذف و اسقاط و تحریف عاری نیست» (ریاحی، مقدمه، ۱۰۸)؛ فی‌المثل ضبط‌هایی مثل «می‌خوسب» به جای «می‌خسب»، «خوفتن» به جای «خفتن» از این ضبط‌ها هستند. این اشکال تلفظ واژگان در نثرهای دوره سامانی نیز نادر بوده‌اند و می‌تواند نشان از تلاشی ساختگی برای کهنه‌گرایی متن باشد و با سبک و سیاق مرصاد نیز همخوانی و مطابقتی ندارند.

می‌خسب / می‌خوسب

«و چنانکه خواهی می‌خور و می‌خسب» (رازی، ۱۳۸۹: ۹۱) ضبط نسخه «بو»، «می‌خوسب» می‌باشد.

در دو مورد: «بر پهلوی راست روی به قبله بخسبد» (همان، ۴۸۹) / و اگر خواهد که بخسبد تا بوقت صبح



برخیزد (همان، ۴۹۰)» در مرصاد نسخه «بو» نیز، «خسبد» ضبط کرده است. متون عرفانی دوره نجم رازی نیز، همواره «خسبند» ضبط کرده‌اند نه «خوسبند» و «خوسبند» کاربرد نداشته و نشان خطای کاتب نسخه «بو» می‌باشد. در مصباح‌الهدایه می‌آید: «و در ادب نوم آن است که برابر قبله خسبند» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۸۲).

خفتن / خوفتن

بعد از نماز خفتن بخدمت شیخ آمد (رازی، ۱۳۸۹: ۲۷۶). نسخه «بو»: خوفتن

آمدن و رفتن و نشستن و وقت خفتن... (همان، ۴۷۹) نسخه «بو»: خوفتن

و چون نماز خفتن گزارد سخن نگوید که سنت این است (همان، ۴۸۹). نسخه «بو»: خوفتن

۲-۴- ارجحیت ضبط‌های نسخه «س» در اشعار استشهادی با تکیه بر ویژگی‌های زبانی و بلاغی

یکی دیگر از وجوه برتری ضبط‌های نسخه «س» و اعتبار این ضبط‌ها در اشعاری است که در متن مرصادالعباد آمده است؛ همانطور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های نثر فنی، آمیختگی نظم و نثر است و صوفیه حتی پیشتر از گرایش به نثر فنی نیز به درج شعر در کلام خود می‌پرداختند و شعر، کارکردی بلاغی در آثار آنان داشت. در مرصادالعباد نیز ابیات بسیاری از خود مؤلف و دیگر شاعران برای بلاغت کلام و زیبایی آن ذکر شده است. در بررسی نمونه‌های شعری مرصاد نیز می‌توان، ارجحیت ضبط‌های نسخه «س» و بی‌دقتی نسخه «بو» در ضبط اشعار را دید و این خود می‌تواند نشان اعتبار ضبط‌های نسخه «س» و برتری آن باشد.

در رباعی زیر از خیام (۴۴۰-۵۵۱۷.ق):

در دایره‌ای کامدن و رفتن ماست او را نه بدایت نه نهایت پیداست

کس می‌نزند دمی در این معنی راست کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست؟

(رازی، ۱۳۸۹: ۳۱)

نسخه «س»، به جای «او»، «آن» آورده، که ضبط دقیق و ارجحی است؛ ارجاع «او» به غیر جاندار، اشکال دار بوده و روشن است که نسخه «س» ضبط دقیق‌تری از این رباعی خیام دارد. «آن» از لحاظ آوایی مناسب بیت است



و با «این» در مصراع دوم تناسب دارد. نغمه حروف، نیز ضبط نسخه «س»، ضبط «آن» را تأیید می‌کند.

مصراع «کاندرین ملک چو طاووس به کار است مگس» (رازی، ۱۳۸۹: ۲۶۶) نیز برگرفته از سنایی غزنوی (۵۴۵-۵۴۷ق) است.

ورچه خوبی به سوی زشت به خواری منگر
کاندرین ملک چو طاووس بکارست مگس

(سنایی، ۱۳۸۰: ۳۰۷)

ضبط نسخه «س» منطبق با ضبط دیوان سنایی بوده و ارجح می‌باشد و دقت این نسخه را در ضبط اشعار می‌رساند، حال آنکه ضبط نسخه «بو» («راه») می‌باشد که نادرست است. در بیت:

گستاخ تو کرده ای مرا با لب خویش
ورنه من بیچاره چه مردان توام

(رازی، ۱۳۸۹: ۴۴)

نسخه «س»، «کجا مرد توام» ضبط کرده که ارجح است. «کجا» به معنی «کی» است که در شاهنامه نیز بسیار کاربرد دارد:

تو مردان جنگی کجا دیده‌ای
که بانگ پی اسپ نشنیده‌ای

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۵۸۶/۲)

تو گردنکشان را کجا دیده‌ای
که آواز روباه نشنیده‌ای

(همان: ۴۶۷/۵)

«مرد کسی یا کاری بودن» نیز کنایه از «قدرت مقابله با کسی یا چیزی را داشتن است»، این تعبیر، در زبان گفتاری معاصر نیز کاربرد دارد. در بیت:

چندان ناز است ز عشق تو بر سر من
کاندر غلطم که عاشقی تو بر من



یا خیمه زند وصال تو بر سر من

یا در سر این غلط شود این سر من

(رازی، ۱۳۸۹: ۵۰)

در مصراع اول، نسخه «س»، «در سر من» ضبط کرده که درست است؛ چرا که ناز از عشق در سر و در ذهن است نه بر سر و بر روی ذهن. در بیت:

دی ما و می و عیش خوش و روی نگار

امروز غم و غریبی و فرقت یار

(همان، ۸۹)

نیز نسخه «بو»، به جای «می و عیش»، «می عشق»، ضبط کرده که نادرست است و مصحح با وقوف به ارجحیت ضبط نسخه «س»، «می و عیش خوش»، این ضبط را بر نسخه اساس، برگزیده است.

در بیت معروف زیر از رودکی (۳۱۹-۵۲۳۷.ق) نیز که در متن مرصاد مورد استشهاد قرار گرفته:

بوی جوی مولیان آید همی

بوی یار مهربان آید همی

(رازی، ۱۳۸۹: ۶۰)

ضبط نسخه «بو»، «خوی» می باشد که نادرست است. ضبط دقیق و درست، ضبط نسخه «س» می باشد که «جوی» است. در بیت:

چون ندیدی شبی سلیمان را

تو چه دانی زبان مرغان را

(همان، ۱۲۴)

نیز نسخه «بو»، «زفان» آورده که نادرست است و تلاشی در جهت کهنه نشان دادن نسخه بوده است، این بیت با ضبط «زبان» هم در «سیرالعباد» سنایی و هم در «صفیر سیمرغ» سهروردی با زبان آمده است:

چون ندیدی تو مر سلیمان را

تو چه دانی زبان مرغان را



(سنائی، ۱۳۱۶: ۱۰۰)

تو چه دانی زبان مرغان را

چون ندیدی همی سلیمان را

(سهروردی، ۱۳۷۴: ۸)

در بیت:

معشوقه در اول قدمت پیش آید

گر در ره عاشقی قدم پیش نهی

(رازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

نیز ضبط نسخه «س» که مطابق متن است، ارجح می‌باشد. ضبط نسخه «بو»، «به تارک سرت» بوده و نادرست است.

در ضبط «بر» و «در» نیز در اشعار، دقت نسخه «س» بیشتر است و ضبط‌های این نسخه ارجح می‌باشد. در دو رباعی زیر، این دقت و ارجحیت، دیده می‌شود.

آورده ترا ز قعر دریا به فراز

ای در بچنگ آمده در عمر دراز

غلطیده ز دست و باز دریا شده باز

غواص نهاده بر کف دست نیاز

(رازی، ۱۳۸۹: ۳۲۶)

نسخه «بو»، «در» ضبط کرده است

باید چو خمار گیردت نگریزی

در دل چو شراب وصل ما می‌ریزی

با هر چه نشسته ای از آن برخیزی

با وصل منت اگر نشستی باید

(همان، ۲۸۶)

نسخه «بو»، «بر» ضبط کرده و ضبط نسخه «س» ارجح است.



در بیت زیر نیز:

تو جانی و پنداشتستی که شخصی تو آبی و انگاشتستی سبویی

(همان، ۳۳۹)

نسخه «بو» به جای «انگاشتستی»، «پنداشتستی» ضبط کرده است. متن مطابق ضبط نسخه «س» می باشد و ارجح است؛ چرا که بین این دو واژه سجع است و همچنین تکرار، مخّل فصاحت است.

این بیت برگرفته از دیوان سنایی است:

تو جانی و انگاشتستی که شخصی تو آبی و پنداشتستی سبویی

(سنایی)

در ولدنامه (سلطان ولد، ۱۳۶۲: ۱۹۰) نیز به شکل فوق، آمده است.

در بیت:

زان روی کنون آینه روی توام از دیده تو بروی خود می نگرم

(رازی، ۱۳۸۹: ۳۲۲)

نیز نسخه «س»، «کز (که از)» ضبط کرده که ارجح است. «که» در اینجا «که» تعلیل و سببی است و معنای مصراع با «که» تعلیل صحیح است؛ چرا که، به این سبب که از دیده تو بر روی خودم می نگرم. این «که» در نظم و نثر سنتی کاربرد گسترده‌ای دارد. سعدی (۶۹۰-۶۰۶ ه.ق) در گلستان می‌آورد: «اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولتست» (سعدی، ۱۳۶۸: ۱۵۴)

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل ضبط‌های نسخه‌های «بو» و «س» مرصادالعباد، بر اساس ویژگی‌های سبکی و زبانی غالب مرصادالعباد، همچون اصل موسیقایی و کهنگی زبان و همچنین دقت در ضبط‌های اشعار استشهادی در داخل



متن، دقت و اعتبار ضبط‌های نسخه «س» را که ریاحی، از آن به عنوان نسخه‌ای کهنه و قدیمی نام برده، اثبات می‌کند؛ ضبط‌های این نسخه، انطباق بیشتری با بیان مسجّع مؤلف مرصاد دارند و سجع که عنصری غالب بیانی در مرصاد است، در این نسخه بیشتر رعایت شده است. همچنین از لحاظ زبانی و ویژگی‌های سبکی نیز این نسخه انطباق بیشتری با ویژگی‌های زبانی و سبکی مؤلف مرصاد دارد؛ افعال پیشوندی، باء تأکید و ... که جزو ویژگی‌های بنیادین نثر مرصادند در ضبط‌های این نسخه رعایت شده‌اند و همچنین با توجه به کهنگی زبان مرصاد در مقایسه با غالب متون هم‌عصرش، ویژگی کهنگی زبانی در این نسخه و ضبط‌های این نسخه نیز رعایت شده و در ضبط اشعار استشهادی نیز، ضبط‌های نسخه «س»، اعتبار و ارجحیت دارند. لازم به ذکر است که تصحیحی دوباره از مرصادالعباد با اساس قراردادن نسخه «س» می‌تواند در ارائه تصحیحی نزدیک به شیوه‌های بیانی و زبانی و سبکی نجم‌رازی و وجه غالب موسیقیایی در این اثر، کارآمد باشد.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



منابع و مراجع:

۱. انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابیطالب، **نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر**، مصحح: مهران آگوست فردیناند، روسیه، سن پترزبورگ، مطبعه الاکادمیه الامبراطوریه، ۱۲۸۱ ه. ق.
۲. بهار، محمدتقی، **سبک‌شناسی یا تاریخ‌تطور نثر فارسی**، ج ۱ و ۲، تهران، زوار، ۱۳۸۶
۳. بهمنی مطلق، یدالله و خدادادی، محمد، «**بررسی و مقایسه‌ی زبانی چند اثر منشور عرفانی با محوریت کنوزالحکمه**»، کهن‌نامه ادب پارسی، سال سوم، شماره دوم، صص ۳۶-۱۵، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
۴. جوینی، عطاء‌الملک، **تاریخ جهانگشای جوینی**، تصحیح علامه قزوینی، تهران، بامداد، ۱۳۸۹
۵. حافظ شیرازی، شمس‌الدین، **دیوان**، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲
۶. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۷. رازی، نجم‌الدین، **مرصاد العباد**، به اهتمام محمد امین ریاحی، چ چهاردهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹
۸. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، **گلستان**، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸
۹. سلطان‌ولد، محمد بن محمد، **ولد‌نامه**، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، موسسه نشر هما، ۱۳۶۲
۱۰. سنایی غزنوی، **دیوان**، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، سنایی، ۱۳۸۰
۱۱. _____، **سیر العباد الی المعاد**، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، چاپخانه آفتاب، ۱۳۱۶
۱۲. سهروردی، شهاب‌الدین، **صغیر سیمرغ**، تهران، مولی، ۱۳۷۴
۱۳. شاملو، احمد، **مجموعه آثار**، ج ۱، چ ۶، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۴
۱۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، **زبان شعر در نثر صوفیه**، تهران، سخن، ۱۳۹۲
۱۵. شمیسا، سیروس، **کلیات سبک‌شناسی**، چ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۳
۱۶. _____، **سبک‌شناسی نثر**، چ دوم، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۷۷
۱۷. طاهری، حمید، «**بررسی تحلیلی و تاریخی فعل‌های پیشوندی در زبان فارسی**»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۱ (پیاپی ۱۸)، بهار، صفحات ۱۳۵-۱۱۳، کرمان، بهار ۱۳۸۶
۱۸. عبادیان، محمود، **درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات فارسی**، تهران، آوای نور، ۱۳۷۳
۱۹. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، **پندنامه**، تصحیح سیلویستر دوساسی، ترجمه ع. روح‌بخشان، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳
۲۰. _____، **مصیبت‌نامه**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۶
۲۱. غلامرضایی، محمد، **سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸
۲۲. فردوسی، ابوالقاسم، **شاهنامه**، به کوشش جلال‌الخالقی مطلق، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

۲۳. کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۸۸،
۲۴. کزازی، میرجلال الدین، بدیع، تهران، انتشارات ماد، ۱۳۸۸
۲۵. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، مصحح رینولد نیکلسون، چ اول. تهران، توس، ۱۳۷۵
۲۶. _____، فیه ما فیه، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، چ یازدهم تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵
۲۷. ناصر خسرو قبادیانی، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
۲۸. نجفی، مریم و همکاران، بررسی جنبه‌های بلاغی زبان در تفسیر کشف الاسرار، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۹، شماره ۱۷، صص ۲۵۹-۲۳۵، سمنان، بهار و تابستان ۱۳۹۷
۲۹. وراوینی، سعدالدین، مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چ چهاردهم، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۸۸
۳۰. هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، تهران، سروش، ۱۳۸۳
۳۱. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله معجم البلدان، الجزء الاول، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا